

فک‌های خزری سواحل ایران را ترک می‌کنند؛

میزبان خوبی نبودیم



زیبانه جولایی

دیروز بخش عمده‌ای از خبرهای محیط‌زیستی در ارتباط با این موضوع بود که فک‌های خزری در حال ترک کردن سواحل شمالی ایران هستند. خبری درناک برای فعالان محیط‌زیست به ویژه آنها که سال‌های زیادی برای حفظ و حراست از باقیمانده‌های فک خزری تلاش کرده بودند.

نابودی زیستگاه فک‌ها

جزیره آشوراده، تنها جزیره ایرانی در دریای خزر است که زیستگاه فک خزری در آنجا قرار دارد و این درحالی‌است که به گفته فعالان محیط‌زیست اجرای طرح گردشگری آشوراده در مساحت ۲۲ هکتاری از این جزیره باعث از بین رفتن زیستگاه این گونه جانوری می‌شود.

به گفته مسئولان در ایران زیستگاه ساحلی فک خزری کم است و سواحل ما نسبت به سواحل دیگر کشورهای حاشیه خزر بیشتر از دست رفته و تحت‌تاثیر تغییرات قرار گرفته‌اند و تنها زیستگاه دست‌نخورده فک خزری آشوراده و میانکاله است و دیگری هم در سمت گیلان به نام بوجار است که البته در آنجا تردد فک‌های خزری گزارش نشده است.

کارشناسان همچنین پیش‌بینی می‌کردند در صورت توریستی شدن جزیره آشوراده این اتفاق رخ خواهد داد، چنانچه قرار باشد در جایی که در گذشته بکر بوده، پیست اسب‌سواری، دوچرخه‌سواری و تردد بیش از حد توریست مانند

دیگر مناطق ایران اتفاق بیافتد، قطعاً این اقدامات بر حضور فک‌های خزری تاثیرگذار خواهد بود، چراکه فک‌های خزری موجودات گوشه‌گیر و خجالتی هستند که تمایل دارند از انسان دوری کنند، بنابراین این سواحل تنها جاومأمنی است که این حیوانات دارند. طرح گردشگری آشوراده می‌تواند، تاثیر بسیار منفی بر حیات این حیوانات داشته باشد و باز بین رفتن این سواحل نیز متأسفانه باید با فک‌های خزری خداحافظی کنیم، درسال گذشته گزارش‌هایی ارائه شده بود که سواحل شمالی برای این گونه جانوری نامن شده است و همینطور مشاهده شده بود که در دو مورد فک‌های خزری در ایران بچه‌هایشان را به دنیا آورده‌اند. بنابراین لازم است از سواحل‌مان حفاظت بیشتری کنیم، چراکه اگر مسیر مهاجرتی فک‌ها بخواند تغییر کند، باید جایی برای آنها در نظر گرفته شود، اما متأسفانه با اجرای طرح‌های گردشگری آشوراده همین نقاط کوچک هم از دست می‌رود.

به گفته امیر صیاد شیرازی، مسئول مرکز درمانی و تحقیقاتی فک خزری در طرحی که مصوب شده آلاچیق، پیست‌سواری، دوچرخه‌سواری و محل شنادیده شده است، در حالی که متأسفانه طرح بسیار غیرکارشناسی است به طور مثال در منطقه شنا که در طرح مشخص شده است تادو کیلومتر بعد از ساحل هم همچنان آب به زیر زانو نمی‌رسد، در همین منطقه دقیقاً فک‌ها تردد می‌کنند و منطقه‌ای است که در فصل مهاجرت پرندگان تنها جایی است که پرندگان

می‌توانند در آنجا دور از شکار چپان بوده و در پناهگاه واقعی خود باشند. او تصریح کرد: متأسفانه در این طرح حتی به این موضوعات توجه نشده است. وقتی چنین شرایطی درباره بخشی از این طرح وجود دارد، مشخص است که در خصوص دیگر بخش‌های طرح اصلاً کارهای کارشناسی نشده است و اگر قرار باشد این ۲۲ هکتار که در نقشه مشخص شده، به منطقه گردشگری تبدیل شود منطقه به طور کامل از بین می‌رود، درحالی‌که زیبایی منطقه آشوراده به بکر بودن و دور از دسترس بودن آن برای انسانهاست.

فک خزری

در حال انقراض است

از سوی دیگر، شکار غیرقانونی فک خزری هم یکی از مشکلاتی بود که در چند سال گذشته باعث کاسته شدن از تعداد این جانداران شده بود. مدتی است که فوک خزری هم بر اساس یکی از مصوبات دوازدهمین جلسه کنفرانس کشورهای عضو کنوانسیون گونه‌های مهاجر، به فهرست جانداران در حال انقراض کشور اضافه شده است. بر طبق این کنوانسیون، قرار گرفتن این گونه در فهرست گونه در معرض خطر انقراض منجر به ممنوعیت صدور مجوز شکار و صید می‌شود و از این پس کشورها اجازه ندارند سهمیه‌ای برای شکار یا صید گونه فک خزری تعیین کنند. از طرف دیگر اضافه شدن گونه فک خزری به ضمیمه کنوانسیون گونه‌های مهاجر منجر به افزایش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای حفاظت از آنها گونه پستاندار دریای خزر خواهد شد. بیشترین تلفات مربوط به سال

حیوان نسبت به ۵۰ سال گذشته با افت ۹۰ درصدی جمعیتش در سواحل خزر مواجه شد و حالا وقت آن رسیده بود تا برای ادامه حیات این‌گونه از فک فعالیتی صورت گیرد. برای این‌موضوع گروه‌های مختلفی از کشورهای حاشیه دریایچه خزر با حضور ژاپن، انگلیس و هلند شروع به فعالیت کردند تا دلایل اصلی انقراض این جاندار را بررسی کنند. دو سال بعد در سال ۸۷ فک خزری در معرض انقراض به فهرست «IUCN» اضافه شد. با کمک شخصی به نام «لنی هارت» که خودش در کشور هلند در همین زمینه فعالیت می‌کرد گروهی از فعالان محیط‌زیست و تحصیلکردگان رشته دامپزشکی برای گذراندن آموزش‌های لازم به این کشور فرستاده شدند، با این شرط که پس از آموزش و اتمام دوره‌ها به کشور خودشان بازگردند و تلاش‌شان را برای نجات بازمانده‌های فک‌های خزری بکنند.

از میان ۵ کشور حاشیه دریایچه خزر ایران برای فراگیری آموزش‌های لازم انتخاب شد به این‌دلیل که موانع کمتری پیش رو داشت. شکار فک در روسیه و قزاقستان عملی قانونی بود و مشخص است با این قانون کاری برای حفاظت پیش نمی‌رفت. در کشور ترکمنستان هم در محدوده ساحلی هیچ روستا یا آبادانی موجود نبود و آذربایجان هم از همان ابتدا روی خوشی برای ادامه فعالیت‌ها نشان نداد. بنابراین ایران بهترین گزینه برای حفظ و حمایت

۷۹ بود. در طول ۶ ماه نخست سال لاشه حدود ۱۰ هزار فک به سواحل کشورهای حاشیه دریایچه خزر رسید و همین امر کنجکاو محققان و فعالان محیط‌زیست را درباره علت مرگ این‌جاندار برانگیخت. بعد از انجام تحقیقات مشخص شد ویروس «دبستمپر» عامل مرگ و میر بالای فک‌های خزری شده است. این مرگ و میرها باعث شد تا توجه به فک‌های خزر بیشتر شود و احتمال انقراض این گونه بیش از پیش مطرح شود.

اجماع چند کشور

برای نجات فک خزری

سال ۸۵ برای فعالان محیط‌زیست و علاقه‌مندان به این جاندار سال خوبی نبود، چراکه و اساس آمار مشخص شد این



بیشترین تلفات مربوط به گونه فک خزری مربوط به سال ۷۹ بود. در طول ۶ ماه نخست سال لاشه حدود ۱۰ هزار فک به سواحل کشورهای حاشیه دریایچه خزر رسید

نمانند فعالیت‌هایی که فعالان محیط‌زیست در این خصوص داشته‌اند البته کمک شایانی به افزایش اطلاعات ماهیگیران داشته، از جمله پرداخت غرامت به ماهیگیران در صورت گیر افتادن فک‌ها و پاره شدن تور ماهیگیران یا برگزاری مراسم مختلف و تقدیر از ماهیگیرانی که به هر نحو در جهت حفاظت این گونه همکاری داشته‌اند.

فک خزری در ایران ناشناخته است

لنی هارت اسما در این میان نقش زیادی در حراست و نگهداری فک‌های خزری در ایران داشت. به گفته برخی از افرادی که برای آموزش‌های لازم از ایران خارج شده و دوباره برگشته بودند در تمام سال‌هایی که برای حفظ جان فک خزری تلاش می‌شد هیچ نهادهی از داخل ایران پروژه را حمایت نکرده و تمام حمایت‌ها به واسطه حضور هارت بوده است. از نظر آنها دلیل اینکه هیچ نهادهی به کمک حافظان این گونه نیامدند ناشناخته بودن این حیوان و فعالیت‌های انجام شده برای نجات این گونه بود و کاملاً بدیهی است تا زمانی که موضوعی شناخته نشود کسی از آن حمایت نخواهد کرد.

شیوه خانم هارت به این صورت است که در هر کشور فقط پنج سال کار می‌کند و پس از آن تمام مسوولیت به عهده افرادی است که تربیت شده‌اند. در آن زمان همه فکر می‌کردند چون کسی از اروپا بنیانگذار این پروژه است حتماً از نظر مالی تامین می‌شود و به همین دلیل کارشناسان آموزش دیده ترجیح دادند سال پنجم با خانم هارت قطع همکاری کنند تا بتوانند ابتدا یک مرکز ملی در ایران تأسیس کنند و سپس کمک‌های مردمی و سازمان‌های خصوصی حامی محیط‌زیست را جذب کنند.

با تمام این زحمات و اتفاقاتی که برای این گونه در حال انقراض افتاده است اما به نظر میرسد کسی اهمیتی به این تلاش‌ها نمی‌دهد و میزبان خوبی برای این جانداران نبوده‌ایم چرا که با تمام این تفاسیر فک‌های خزری ترجیح می‌دهند ایران را ترک کنند و جای دیگری به زندگی خود ادامه دهند.

ماجرای قطع انگشت دست یک نوزاد در بیمارستان شهر یار



معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی ایران ضمن تشریح ماجرای قطع انگشت کوچک دست نوزادی در یکی از بیمارستان‌های خصوصی شهر یار، آن را قصور پزشکی خواند و درباره روند رسیدگی به موضوع توضیح داد.

به گزارش ایسنا، دکتر نادر توکلی در خصوص قصور صورت گرفته در بیمارستان نور شهرستان شهریار که از بیمارستان‌های تحت پوشش این دانشگاه است، گفت: از آنجایی که دست نوزادان کوچک است، زمانی که عمل رگ‌گیری برای نوزاد انجام می‌شود، آتل زیر دست نوزاد نصب می‌کنند و پس از طی شدن فرآیند خون‌گیری از نوزاد این آتل از دست او جدا می‌شود. او با اشاره به اینکه آتل مذکور با چسب به دست نوزاد وصل می‌شود، ادامه داد: پس از اتمام عمل رگ‌گیری این آتل توسط قیچی از دست نوزاد جدا می‌شود که متأسفانه به دلیل سهل‌انگاری پرستار بخش، به انتهای آخرین بند انگشت کوچک دست نوزاد آسیب وارد می‌شود. نوک انگشت فاصله چند میلی‌متری انتهای انگشت است که فاقد استخوان بوده و دارای بافت نرم است و نمی‌توان آن را به استخوان وصل کرد. توکلی در خصوص انجام عمل ترمیمی برای انگشت دست نوزاد، گفت: مدتی بعد از وقوع این اتفاق، پس از کنترل خون‌ریزی، عمل ترمیمی بر روی دست نوزاد صورت گرفت. با توجه به اینکه آسیب وارد شده به استخوان دست نبوده است، این نوزاد در بزرگسالی دچار مشکلات حرکتی نخواهد شد اما امکان تفاوت انگشت کوچک از نظر ظاهری با سایر قسمت‌های دست وجود خواهد داشت.

ثبت نام بیش از ۱۴۰۰ کودک بازمانده از تحصیل



مدیرعامل سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران از شناسایی و ثبت نام ۱۴۰۰ کودک بازمانده از تحصیل در مدارس سطح شهر خبر داد و گفت: تلاش داریم والدین این کودکان در مراکز پر تو نتوانمند شوند. به گزارش ایلنا، سید نجم‌الدین محمدی با اعلام این خبر بیان کرد: تعداد زیادی از این کودکان در خیابان‌ها و تعدادی از آنها در مراکز پر توشناسایی شدند. محمدی با اشاره به اینکه مراکز پر تو در جذب این کودکان و خانواده‌های شان تلاش بسیاری کرده‌اند، عنوان کرد: در حال حاضر بیش از ۳۰۰۰ کودک تحت پوشش مراکز پر توهستند.

سالانه ۱۱۰۰ کودک کاندیدی کاشت حلقون هستند

مدیرعامل بنیاد خیریه شنوایی بخشش، با اشاره به اینکه از ۱۵ میلیون جمعیت مولود کشور یک در هزار نفر ناشنوا هستند، گفت: سالانه ۱۱۰۰ کودک کاندیدی کاشت حلقون هستند. به گزارش مهر، محمد اجل لوثیان بابیان اینکه کاشت حلقون تقریباً ۴ دهه پیش در دنیا از سه دهه گذشته در ایران و قدمتی ۲۸ تا ۳۰ سال دارد اعلام کرد: از سال ۸۸ تعداد کاشت حلقون روند رو به رشدی داشت به طوری که از ۸۰ کاشت در سال به یک هزار تا یک هزار و ۱۰۰ عمل رسیده است. مدیرعامل بنیاد خیریه شنوایی بخشش و فوق تخصص گوش با اشاره به اینکه از ۱۵ میلیون جمعیت مولود کشور یک در هزار نفر ناشنوا هستند، تصریح کرد: سالانه به طور متوسط یک هزار و ۵۰۰ ناشنوا جدید به جمعیت کشور اضافه می‌شوند که از این تعداد ۱۰۰۰ تا ۱۱۰۰ مورد الزام به کاشت حلقون دارند. او راه دیگری برای آنها وجود ندارد. به گفته او، غربالگری شنوایی از سوی سازمان بهزیستی کشور برای شناسایی این افراد در اکثر بیمارستان‌ها صورت می‌پذیرد و نزدیک ۹۰ درصد پوشش در کشور دارد. بر این اساس نوزادان در بدو تولد غربالگری شنوایی می‌شوند که در یک ارزیابی کلی در اکثر استان‌ها وضعیت بسیار مطلوب است اما در سیستان و بلوچستان وضعیت مناسب نیست؛ چراکه غربالگری شنوایی هنوز به نرم ۹۰ درصد رسیده است.

معمولاً دارند می‌توانند پیام دوستی و مودت و محبت خود را به شهرهای خواهر خوانده ابلاغ کند. وجود موزه‌ها که امکان انتقال مفاهیم را دارد و حتی نمایشگاه‌های هنرهای تجسمی و برگزاری هفته‌های فرهنگی می‌تواند در این اتفاق کمک زیادی کند.

این نقیصه متأسفانه در مدیریت شهری و شورای شهر تهران وجود داشته که عرصه دیپلماسی عمومی شهری به دولت‌ها و وزارت‌خانه‌هایی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد سپرده شده است تا مثلاً هفته فرهنگی کشورهای دیگر مانند تاجیکستان و سایر ملت‌های دوست ایران را برگزار کند. باید به مسئله دیپلماسی شهری در مدیریت شهری به صورت جدی‌تر پرداخته شود. متأسفانه هم‌اکنون حوزه‌ای که بحث دیپلماسی شهری را به طور تخصصی در دستور کار قرار داده و دنبال کند، در قالب فعالیت تشکیلاتی و کمیته‌ای خاص در شورای شهر نداریم و امیدواریم فتح بابی در این مورد صورت گیرد تا بتوانیم بهتر در این حوزه فعال شویم.

خواهر خواندگی تهران با شهرهای جهان و نیاز به دیپلماسی شهری فعال

مثلاً شهر تهران با شهر سنول در کره جنوبی خواهر خوانده است. در واقع زبان فرهنگ و هنر است که کمک می‌کند روابط بین دو حوزه شهری شکل بگیرد. نام خیابان‌ها دیگر امروز فقط یک نماد نیست. در سنول خیابان تهران داریم که یکی از خیابان‌های معروف و شناخته شده آن شهر است و در تهران، خیابانی به نام سنول داریم، این پیوند برای شهرهای دو شهر پرسش جدی را مطرح می‌کند که تهران یا سنول کجاست یا چه ویژگی‌هایی دارد و چه ارتباطی بین دو شهر است؟ این‌مقدمه کار هاست ولی کافی نیست.

اینجا هنرمندان دو کشور می‌توانند با خلق آثاری که نشان دهنده مهر و محبت بین دو شهر است کمک کنند. استفاده از زبان بین‌المللی موسیقی که نیاز به ترجمه ندارد، اجرای موسیقی توسط ارکسترهایی که شهرها

یافته‌اند. مدیریت شهری در این روند با توجه به تاثیری که در تصمیم‌سازی و جهت‌دهی به افکار عمومی دارد، جایگاه جدی‌تری یافته است. شاید به همین مفهوم است که امروزه ما به اصطلاحی مانند خواهر خواندگی در شهرها رسیده‌ایم و شهرها از این طریق راه‌حلی را برای ارتباط مستقیم‌تر برای تبادلات خویش یافته‌اند.

شاید بستر اصلی دیپلماسی شهری فرهنگ و جامعه عمومی است و در عین حال تلاش می‌کند از طریق نزدیک کردن دیدگاه‌ها و افکار عمومی شهروندان دو حوزه شهری که ممکن است با هم هزاران کیلومتر فاصله داشته باشند، فهم دقیق‌تر و مناسب‌تری از همدیگر داشته باشند و بتوانند بهتر همکاری کنند.

در این میان نمایندگان مردم در شورای شهر و شهرداران، نقش کلیدی در حوزه دیپلماسی شهری دارند.

محمد جواد حق‌شناس، عضو شورای شهر تهران

باید در شهرداری تشکیلات تخصصی برای توسعه دیپلماسی شهری پایتخت به وجود بیاید.

یکی از ابعاد و شاخه‌های مختلف دیپلماسی، بحث دیپلماسی شهری است که در کنار سایر ارکان و حوزه‌های دیپلماسی می‌تواند به فهم بهتر دیپلماسی و پیشرفت روابط بین‌المللی کشورها کمک کند. در گذشته انحصار دیپلماسی مربوط به رابطه مشخص و دقیق تعریف شده بین دولت‌ها بود. با روندی که در دهه‌های اخیر در جهان روبه‌رو هستیم در کنار دولت‌ها می‌بینیم سازمان‌های عمومی، نهادهای اجتماعی و شاید رسانه‌ها و حوزه‌هایی که شاید در کنار دولت‌ها قرار نداشتند امروزه بین رابطه ملت‌ها و دولت‌ها تعیین‌کننده شده و جایگاه رفیعی

یادداشت